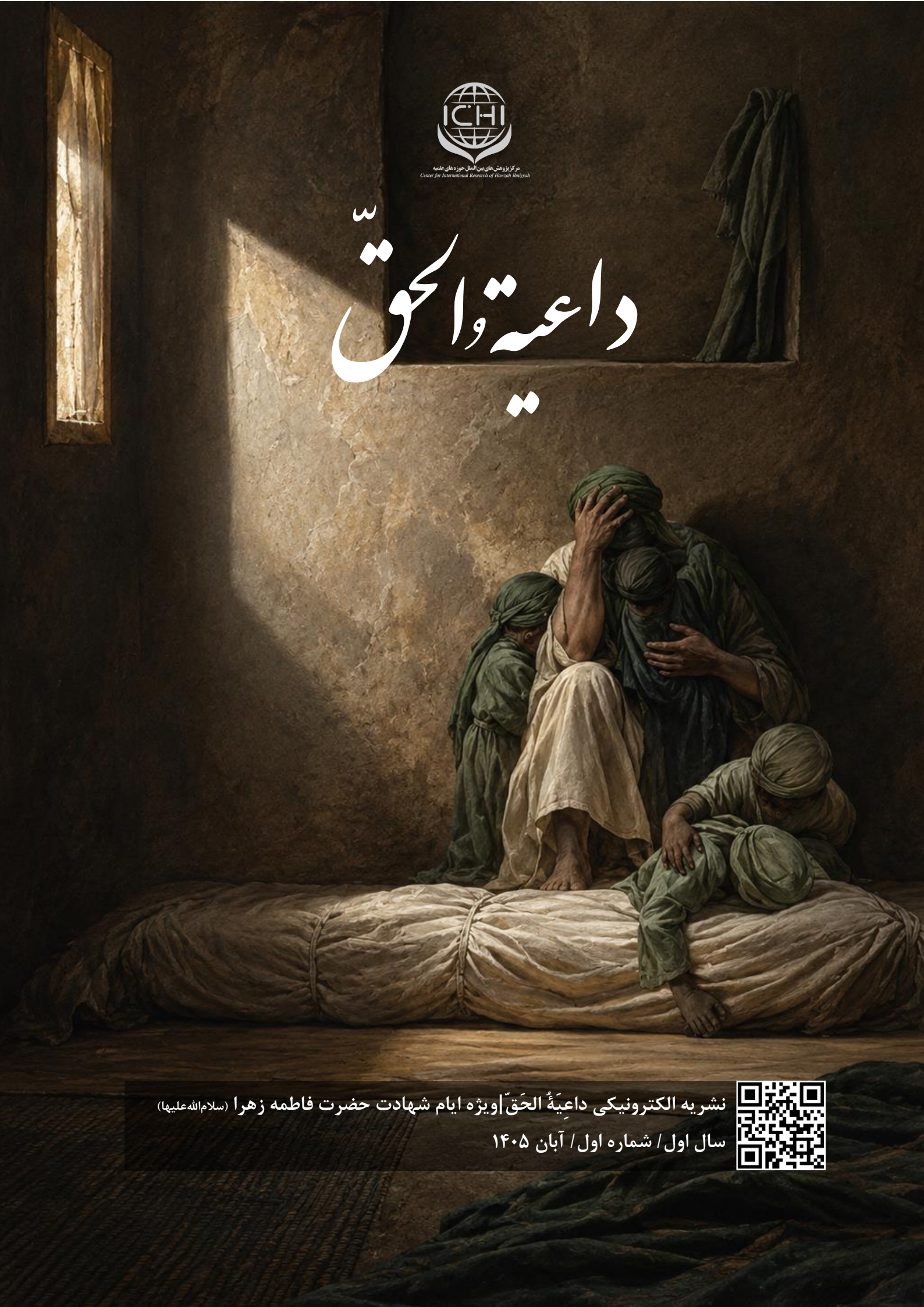


نشریه الکترونیکی داعِیَةُ الحَقّ|ویژه ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)
سال اول/ شماره اول/ آبان ۱۴۰۵

فهرست مطالب

تبیین مقام منیع حضرت فاطمه زهرا(س)/ دلیل حجت بودن فاطمه زهرا(س) بر ائمه(ع) ۳
شخصیت حضرت زهرا (س) از منظر مستشرقین غیرمسلمان..... ۷
نقش فاطمه زهرا «علیهاالسلام» در اتحاد و انسجام اسلامی..... ۱۰
ایستادگی و مقاومت در سیره ی حضرت زهرا (س)..... ۱۷
استقامت و پایداری در سیره ی حضرت فاطمه (س) ۱۳
نقش حضرت زهرا(س) در دفاع از اسلام و ولایت ۱۹



بیانات آیت الله العظمی جوادی آملی:

تبیین مقام منیع حضـــرت فاطمه زهرا(س)/ دلیل حجت بودن فاطمه زهرا(س) بر ائمه(ع)

درباره فاطمه زهرا(ســلام الله علیها) از دو محور باید ســخن گفت؛ یک محور مربوط به جنبه علمی اســت که برای ما ثمره علمی و نتیجه اعتقادی دارد و پشـتوانه مسائل اخلاقی فقهی و حقوقی ما نیز هست و محور دوم آن بخشی است که ما باید به ایشان تاسی کنیم و آن حضرت را اسوه و الگوی خود قرار دهیم.

بررسی مقام منیع فاطمه زهرا(سلام الله علیها) از جنبه مسائل اعتقادی و علمی

آن بخشی که مربوط به مسائل اعتقادی است و برای ما ثمره علمی دارد بررسی مقام منیع آن بانو(سلام الله علیها) است که بفهمیم ایشان همتای قرآن کریم، همتای نبوت، همتای رسالت و همتای ولایت است، چیزی از ولی الله المطلق کم ندارد و اینها یک نورند. این گونه از مباحث برای ما ثمره اعتقادی و ثمره علمی دارد و پشــتوانه علمی بخش دوم که همانا الگو قرار دادن آن حضرت است، خواهد بود.

سـرّ اینکه این بانو(سـلام الله علیها) حجت بر ائمه(علیهم السـلام) اسـت و اگر علی بن ابی‌طالب(سـلام الله علیه) نبود احدی همتای آن حضـرت نبود، این اسـت که آن حضـرت مثل خود قرآن کریم در مقام حدوث و بقاء شـکل گرفت، قرآن این سـه ویژگی را دارد؛ اولاً از زمین برنخاسـت و از آسـمان نازل شـد و ثانیاً نزولش ۲۳ سـال طول کشـید و ثالثاً برای ابد می ماند و اینطور نیست که ـ معاذ الله ـ قابل زوال و از بین رفتنی باشد؛ «لا یأتیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ».

وقتی هویت انسان کامل مخصوصاً فاطمه زهرا(سلام الله علیها) را ارزیابی می‌کنیم می‌بینیم در همین مثلث خلاصه می‌شود؛ ایشان از زمین برنخواست و از آسمان نازل شد و تقریبا همسفر قرآن کریم بود.

توضـیح این مطلب آن اسـت که وقتی وجود مبارک پیغمبر(علیه و علی آله آلاف التحیۀ و الثناء) به مقام شـامخ نبوت بار یافتند به معراج رسیدند در معراج غذایی میل کردند وقتی از معراج نازل شدند و به زمین آمدند دیگر تماسی نداشتند مگر اینکه آن غذا به صورت نطفه در بیاید آن میوه آسمانی غیبی و بهشتی وقتی در سلب مطهر رسول اکرم به صورت نطفه فاطمه(سلام الله علیها) درآمد در قرار مکین خدیجه(سلام الله علیها) مستقر شد منتها این چند سالی که طول کشید تا این نطفه مستقر بشود این مقدمه انعقاد نطفه است، باید وحی نازل بشود باید پیامبر به آن مقام وحی یابی برسد باید آن انقطاع وحی به عنوان آزمون فرا برسد باید نوبت معراج فرا برسد باید پیغمبر به معراج برود باید در معراج آن میوه بهشتی را میل کند بعد آن نطفه بشود تا بشود فاطمه(س)، وقتی هم که از معراج آمدند یک سال یا کمتر طول کشید تا وجود مبارک فاطمه(سلام الله علیها) متکون بشود این طلیعه پیدایش و تجلی آن بانو در عالم طبیعت است.

ضلع دوم این مثلث آن است که طی ۲۳ سالی که قرآن به تدریج نازل شد وجود مبارک فاطمه(سلام الله علیها) از چندین راه با قرآن رابطه داشت؛ راه مستقیمش این بود که از وجود مبارک پیغمبر(علیه و علی آله آلاف التحیۀ و الثناء) آیات را فرا گرفت و هر روز این دو شاگرد را به پیشگاه رسول گرامی می‌فرستاد یعنی حسن و حسین سفیران فاطمه بودند، بعد از آنها اسـتنطاق می‌کرد که امروز چه آیه ای نازل شـد؟ پیغمبر چه فرمود؟ آیه را چگونه معنا کرد؟ این آیه را با آن آیه چگونه هماهنگ کرد؟ اینها را گزارش می‌دادند در تکمیل گزارش با پدر بزرگوارش هم مذاکره می‌کرد، سـفیر سـومی که وجود مبارک فاطمه(سـلام الله علیها) داشـت علی بن‌ابی‌طالب بود که باب مدینه علم بود آن هم مرتب گزارش می‌داد، امروز این آیه نازل شد ،پیغمبر اینچنین معنا کرد، اینچنین تفسیر کرد و مانند آن، همچنین وجود مبارک بی بی(سلام الله علیها) راه دیگری نیز داشتند که هر کسی می‌تواند آن را داشته باشد، بحسب ظاهر انسان ارتباط مستقیمی هم با ذات اقدس الهی دارد آن راه را هم خدا وعده داد که اگر تقوا پیشه کنید از یک سو خداوند معلم شما می‌شود از سوی دیگر «اتَّقُوا اللّهَ وَ یعَلِّمُکُمُ اللّهُ» این بی بی(سـلام الله علیها) در اثر آن تقوای کامل، شـاگرد مسـتقیم ذات اقدس الهی بود معارفی را از آنجا فراگرفت و از اینکه در سـوره انفال خدا وعده داد «إِنْ تَتَّقُوا اللّهَ یجْعَلْ لَکُمْ فُرْقانًا» این بی بی(سـلام الله علیها) مثل اعلای تقوا بود لذا ذات اقدس الهی فرقان بین حق و باطل را به او عطا کرده است.

این مجموعه اینقدر ادامه داشت تا قرآن به پایان برسد همین که در اواخر عمر مبارک پیغمبر(علیه و علی آله آلاف التحیۀ و الثناء) قرآن به پایان رسـید دیگر آیه‌ای نازل نشـد طولی هم نکشـید که این پدر و آن دختر هر دو رحلت کردند بی(سـلام الله علیها) بیش از ۷۵ روز یا ۹۵ روز بعد از رحلت رسـول گرامی(سـلام الله علیهما) نماند. تقریبا وقتی نازل قرآن تمام شـد عمر این بی بی هم تمام شـد. او با قرآن نفس می‌کشـید با قرآن کامل می‌شـد با قرآن مترقی بود با قرآن مانوس بود منتها قرآن آمد که بماند این بی بی هم آمد که بماند، بدنش البته رحلت کرده اسـت و اما جان او همچنان زنده است.

سر ماندگاری فاطمه زهرا(سلام الله علیها)

سـر اینکـه در پـایـان بخش اول بـه این نتیجـه رسـیـدیم کـه وجود مبـارک آمـد کـه بمـانـد نـه آمـد کـه برود. اگر امیرالمؤمنین(سـلام الله علیه) درباره عالمان دین فرمود: «العلماء باقون ما بقی الدهر» مصـداق کامل و بالذات این علما خود معصومین‌اند، اما اینکه زهرا(سلام الله علیها) آمد که بماند تحلیل بخش پایانی سوره کوثر می‌تواند سند این بحث باشد.

در جریان سوره کوثر یعنی «إِنّا أَعْطَیناکَ الْکَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» مستحضرید که غالب مفسران شیعه و سنی گفتند که عده‌ای از سنادید قریش، مشرکان بدخواهان و معاندان روی همان سنتهای باطلی جاهلیت گفتند پیغمبر بعد از مردن، نام او و مکتب او و یاد او از بین می‌رود برای اینکه درباره دختر باورشان این بود که «بنونا بنو ابناءنا و بناتنا بنوهن ابناء الرجال الاوائلی» این شعر شعار رسمی جاهلیت بود می‌گفتند که پسران ما و نوه‌های پسری ما اینها فرزندان ما هستند اما نوه‌های دختری ما فرزند ما نیستند ،اینها فرزند مردان دیگرند «و بناتها بنوهن ابناء الرجال الاوائلی» اینها برای زن حرمتی قلئل نبودند برای فرزندهای دختر حرمتی قلئل نبودند و می‌گفتند چون پیغمبر پسرش قبلاً مرد و اکنون پسری ندارد و در اواخر عمر به سر می‌برد و جز دختر چیزی از او نمانده است با مردن او مکتب او و نام او و دین او سپری می شود و از بین می‌رود آنها یک چنین شناعتی و یک چنین سرزنشی داشتند ذات اقدس الهی فرمود به اینکه تو برای همیشه می‌مانی برای اینکه من به تو چیزی دادم که هیچ کسی نمی‌تواند آن را از بین ببرد و به تو فرزندی دادم که حافظ و مجری آن چیز است. آن چیزی که به تو دادم قرآن است و آن کسی هم که حافظ قرآن مفسر قرآن مبین قرآن معلم قرآن مجری احکام و حدود قرآن است فرزندان همین دخترند فرمود «إِنّا أَعْطَیناکَ الْکَوْثَرَ» این کوثر مصادیق فراوانی دارد دین هست، قرآن هست و ولایت هست «إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» یعنی آنهایی که تو را شماتت می‌کردند بدی تو را می‌خواستند انقطاع نسل تو را می‌خواستند ابتر بودن تو را در نظر داشتند آنها ابترند نه تو! آنها منقطع النسل‌اند، تو منقطع النسل نیستی، نام و یاد آنها از بین می‌رود و نام تو و یاد تو همیشه ماند.

بنابراین این بانو توانست حافظ قرآن باشد چون خودش هم همتای با قرآن از غیب به زمین آمد اولاً تا قرآن ادامه داشت او هم تدریجا متکامل بود ثانیاً وقتی قرآن منقطع شد او هم رحلت کرد ثالثاً قرآن آمد که برای ابد بماند این بانو هم نازل شد که برای ابد بماند.

دلیل حجت بودن فاطمه زهرا(س) بر ائمه(علیهم السلام)

اگر گفته می‌شود این بانو حجت بر ائمه(علیهم السلام) است برای این جهت است که در حجیت نبوت یا رسالت یا امامت لازم نیست آنچه که محور حجیت است عصمت است اگر یک انسانی معصوم بود ما یقین داریم حرف او فعل او تقریر او سکوت او و قیام او و قعود او حجت خداست، اینکه در زیارت آل یس به پیشگاه ولی عصر(ارواحنا فداه) و به تک تک حالات او سلام عرض می‌کنیم برای این است که تک تک حالات او معصومانه است «السلام علیک حین تقوم و تقعد حین تقرء و تبین حین ترکع و تسجد» آن وقتی که برمی‌خیزی آن وقتی که می‌نشینی آن وقتی که سخن می‌گویی آن وقتی که تقریر می‌کنی آن وقتی که رکوع داری آن وقتی که سجود داری جامع همه اینها همان است که در سورهٔ مبارکهٔ «انعام» آمده است که «قُلْ إِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیای وَ مَماتی» لذا اگر کسی معصوم بود حیات و مماتش این است و ما به تک تک این شئون معصومانه معصوم عرض ادب می‌کنیم، معیار حجیت عصمت است نه نبوت و نه رسالت و نه امامت و چون این بانو(سلام الله علیها) معصوم است حجت خداست اینکه در نهج‌البلاغه گاهی علی بن ابیطالب(سلام الله علیه) به سخنان بی بی استشهاد می‌کند که فاطمه چنین گفته است این استدلال به قول حجت الله است اما سرّ اینکه او حجت بر معصوم هم هست این است که ائمه(علیهم السلام) عالم غیب‌اند «بما کان و بما یکون و بما هو کائن الی یوم القیامهٔ» اما منابع علمی را اینها گاهی از رسول اکرم شنیدند گاهی از باطن قرآن کمک می‌گیرند و گاهی از مصحف فاطمه؛ وقتی امام معصوم(سلام الله علیه) دارد که خبر غیب می‌دهد، از ائمه سؤال می‌کنند این خبر غیب را از کجا گرفته‌ای می‌گوید در مصحف مادرمان، خب این مصحف فاطمه چیست؟ همان است که جبرئیل(سلام الله علیه) نازل می‌شد و این معارف را

می‌فرمود و وجود مبارک فاطمه(سلام الله علیها) تلقی می‌کرد بعد به امیر المومنین می‌داد، امیر المومنین املای او را می‌نوشت و کتابت می‌کرد. مصحف فاطمه آن وحی تشریعی بود که با انقطاع عمر مبارک رسول گرامی(علیه و علی آله آلاف التحیة و الثناء) به پایان رسید. اگر در *نهج‌البلاغه* آمده است که وجود مبارک امیر المومنین درباره رحلت پیغمبر(سلام الله علیهما) فرمود: «لقد انقطع بموتک ما لم ینقطع بموت احد من اخبار السماء» آن ناظر به وحی تشریعی است وگرنه وحی تسدیدی، تعریفی، انبائی انواع و اقسام وحی که الی یوم القیامة مخصوصا در شبهای قدر نازل می‌شود این دوام دارد این گونه از وحی‌ها در شبهای جمعه، در لیالی قدر بر ائمه(علیهم السلام) نازل می‌شد و بر وجود مبارک ولی عصر(ارواحنا فداه) هم نازل می‌شود، این وحی قطع نشده است، این گونه از معارف غیبی به وسیله جبرئیل(سلام الله علیه) نازل می‌شد فاطمه(سلام الله علیها) تلقی می‌کرد و اینها را حفظ می‌کرد و برای امیرالمؤمنین املا می‌فرمود وجود مبارک امیرالمومنین(سلام الله علیه) اینها را می‌نوشت، شده مصحف فاطمه، این می شود حجت خدا بر خلق اجمعین مخصوصا در معارف غیبی نسبت به ائمه اطهار(سلام الله علیهم اجمعین).

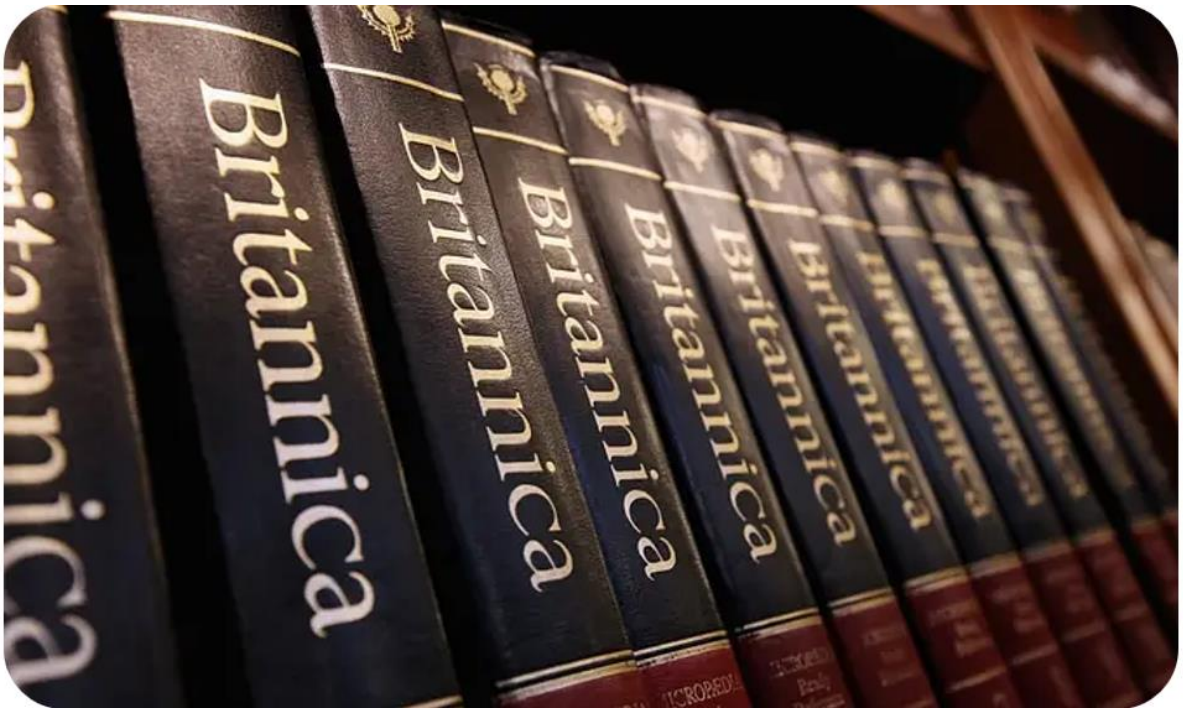
وظیفه ما در الگوبرداری از فاطمه زهرا(سلام الله علیها)

ما موظفیم و وظیفه داریم و مامور هستیم که به این بانو اقتدا کنیم و راهش هم ممکن است. این بانو(سلام الله علیها) هم در اعتقادات هم در اخلاق هم در حقوق هم در فقه مطالبی فراوانی را فرمودند و عمل کردند و تعلیم دادند و دستور عمل کردن را هم به ما دادند .

این بانو برای همه ما اسوه است، ما موظفیم مثل آن حضرت حرکت کنیم منتها این در حد آفتاب ما در حد شمس، این فضای کل جهان را روشن می‌کند منتها ما در زندگی خاص خود مثل شمع نور می‌دهیم و زندگی خود را روشن می کنیم.

وجود مبارک امیرالمؤمنین در مراسم تجهیز حضرت زهرا اشک ریخت. فرمود یا رسول الله برای من بسیار گران و سخت و تلخ است که این مصیبت را تحمل کنم، یا رسول الله این دخترتان که زود به شما ملحق شدند تمام جریان سقیفه و غیر سقیفه را به عرض شما می‌رساند که من هیچ کوتاهی نکردم هر چه دستور دادی عمل کردم، بعد عرض کرد یا رسول الله برای کوبیدن فاطمه(سلام الله علیها) تنها هیئت حاکم قیام نکرد اینها مردم را هم شواندند همه جمع شدند و اجماع کردند تا زهرا را منزوی کنند؛ یکی گفت آتش بیاور! یکی گفت آتش بزن! یکی گفت غلاف شمشیر بیاور! یکی گفت غلاف شمشیر بزن! یکی گفت فدک را بگیر! درحالی که اینها مکرر از پیغمبر شنیدند که رضای زهرا رضای خداست غضب زهرا غضب خداست رضا و غضب فاطمه(سلام الله علیها) رضا و غضب پیغمبر است رضا و غضب پیغمبر رضای خداست، مقام این بی بی چیست؟ ظاهرا مرحوم شیخ مفید نقل می‌کند وقتی بی بی(سلام الله علیها) آمده علی بن ابی‌طالب را آن وضع با سر برهنه زیر منبر بالای سرش شمشیر دید فرمود: دست از پسر عموی من بردارید وگرنه سرم را برای نفرین کردن برهنه می‌کنم مرحوم شیخ مفید نقل می‌کند که وجود مبارک علی بن ابی‌طالب به سلمان فرمود یا سلمان همین که زهرا تصمیم نفرین گرفت من می‌بینم دو طرف مدینه دارد می‌لرزد این فاطمه است.

حالا شما خطبه زینب کبرا(سلام الله علیها) را در کوفه قرائت کنید می‌بینید بسیاری از جمله‌های بلند آن خطبه از مادرش گرفته شده، اگر مرحوم صدرالمتألّهین(رضوان الله علیه) در آن رساله شریفش می‌گوید حسین بن علی را در سقیفه بنی ساعده شهید کردند همین است! ایشان می‌گوید اگر نبود آن آتش زدن یا آتش آوردن در خانه فاطمه هرگز خیمه‌های بچه‌های ابی عبد الله را آ تش نمی‌زدند.



شخصیت حضرت زهرا (س) از منظر مستشرقین غیرمسلمان

در بین مقالات و کتاب‌های مستشرقین درباره حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها آثار متعددی می‌توان یافت و بدون شک این آثار، خالی از موارد قابل اصلاح یا غلط‌های تاریخی نیست، اما در میان این منابع، می‌توان ویژگی‌های خاص حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و جایگاه بلند ایشان در اسلام، مذهب تشیع و تعیین جایگاه زن در تاریخ اسلامی را مشاهده نمود.

گروهی از مستشرقین که غالبا از پژوهشگران آشنا به منابع اصیل اسلامی و شیعی بوده‌اند، حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را شخصیتی قهرمان، الگویی برای جهانیان و مادر و همسری نمونه معرفی کرده‌اند.بنابر روایت حوزه، وجود مبارک حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، فراتر از باورهای مذهبی یا سخنان عالمان مسلمان، در میان شرق‌شناسان غالبا اروپایی نیز مورد توجه بوده و در کتاب‌ها و منابع مختلفی می‌توان دیدگاه مستشرقین در مورد این وجود مبارک را یافت.

مستشرقین غالبا دو نگاه در مورد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها دارند، گروهی از آنان غالبا به تکیه و اعتماد بر منابع اروپایی یا منابع غیراسلامی، شخصیت ایشان را نقد و تضعیف کرده‌اند و گروهی دیگر، که غالبا از پژوهشگران آشنا به منابع اصیل اسلامی و شیعی بوده‌اند، ایشان را شخصیتی قهرمان، الگویی برای جهانیان و مادر و همسری نمونه معرفی کرده‌اند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مستشرقین، گاه مقاله یا کتابی مستقل در مورد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها منتشر کرده‌اند یا در

بررسی‌های تاریخی در مورد دیگر شخصیت‌های نامدار اسلامی مانند حضرت امام علی علیه‌السلام از ویژگی‌های حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها سخن گفته‌اند.

اگر چه غالب آثار تالیف شده توسط مستشرقین، نیاز به نقد و ارزیابی دارد، اما بازخوانی آنها می‌تواند نوع نگاه غربیان به این بانوی بزرگوار را به شکلی مختصر روشن کند.

فاطمه سلام‌الله‌علیها در دایره المعارف لیدن

در دایرةالمعارف قرآن(Encyclopedia of the Quran) ، که در ۵ جلد توسط انتشارات بریل در شهر لیدن در کشور هلند انتشار یافته، مقاله مرتبط با حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها توسط سر ویراستار این دایرةالمعارف خانم «جین دمَن مک اولیف» تالیف شده است.

او استاد کنونی مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون (آمریکا) است. در سال ۱۹۷۹، فوق لیسانس خود را در زمینه مطالعات ادیان از دانشگاه تورنتو (کانادا) دریافت کرده و در سال ۱۹۸۴، موفق به کسب دکتری مطالعات اسلامی از همان دانشگاه شده است. وی از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۲ در دانشگاه‌های اموری(Emory) ، آتلانتا (Atlanta) و جورجیا (Georgia) به تدریس مطالعات دینی و اسلامی مشغول بوده و از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه تورنتو بوده است.

در نوشته وی، در مورد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها شخصیت ایشان ستوده شده است. وی در بخشی از مقاله خود می نویسد: «مهمترین آیات قرآن که مفسران به فاطمه ربط داده‌اند، آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۶۱ سوره آل عمران است. در نخستین آیه به «اهل بیت» اشاره می شود که معمولاً اهل بیت به معنای محمد، فاطمه، همسرش علی ابن ابی طالب و پسرانش، حسن و حسین تفسیر شده است و این معنا از دیگر معانی دقیق‌تر است.«

از نکات جذاب این مقاله، مقایسه میان حضرت مریم و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیهما است. در این نوشته می‌خوانیم: «متون شیعی رابطه مریم و فاطمه را به طور مبسوط شرح می‌دهند و هر دو را زنانی رنج‌کشیده می‌دانند، فاطمه مرگ پدر را به سوگ نشست و هر دو مادر [مریم و فاطمه] به چشم سر یا به چشم دل، شاهد قساوت روا داشته بر پسرانشان بودند. سیره‌نامه‌هایشان چنان درهم آمیخته است که یکی از القاب منسوب به فاطمه، «مریم الکبری» یعنی مریم بزرگتر است. اسلام‌شناس فرانسوی معاصر، «لوئی ماسینیون»، از این رابطه میان فاطمه و مریم، نوعی أویل روحانی ارائه کرده است.«

فاطمه (س) در دایره المعارف بریتانیکا

دایرةالمعارف بریتانیکا (Britannica) از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین دانشنامه‌های عمومی انگلیسی‌زبان است که قدمتی حدود ۲۰۰ ساله دارد. از زمان انتشار آن در سال ۱۷۹۸ میلادی تاکنون، همه ساله بخش‌های جدیدی به آن افزوده می‌شود و هم‌اکنون ۱۵ ویرایش از آن منتشر شده است. بر این اساس باید آن را قدیمی‌ترین دایره المعارف در حال انتشار در جهان دانست.

در این دایره‌المعارف و در ذیل مدخل «فاطمیا»، شخصیت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها مورد تجلیل قرار گرفته است. در بخشی از این مدخل آمده است: «مسلمانان جهان فاطمه را به‌عنوان یک دختر، مادر و زن دوست‌داشتنی و فداکار، یک مسلمان صادق و یک نمونه برای زنان مسلمان در نظر می‌گیرند. این اعتقاد وجود دارد که فاطمه بسیار به پدرش حضرت محمد

نزدیک بوده و به تمایز او از زنان دیگر در بسیاری از احادیث محمد نبی اشاره می‌شود: «فاطمه پاره تن من است، هرکسی او را بیازارد مرا آزرده است». برای شیعیان، فاطمه به‌صورت خاصی مهم است زیرا او با علی، کسی که شیعیان او را جانشین مشروع پیامبر و اولین امام خود می‌دانستند، ازدواج کرد. دلیل دیگر بر اهمیت فاطمه در میان مؤمنان شیعه، پسران فاطمه و علی، حسن و حسین هستند که از سوی شیعیان به‌عنوان جانشینان به‌حق سنت پیامبر در نظر گرفته می‌شوند.«

گفتنی است که در موضوع فدک و شهادت حضرت، این مدخل تفاوت عمده‌ای با نگاه تشیع دارد که البته این مسئله نیز ناشی از تأثیرپذیری مولف از منابع متقدم اهل سنت در این دایره‌المعارف است.

از دیگر مستشرقین که به موضوع حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها پرداخته‌اند، «هانری کربن» قرآن پژوه، اسلام‌شناس و فیلسوف فرانسوی است.

به گفته سیدرضا فیض، محقق و عرفان‌پژوه، «لویی ماسینیون» اسلام‌شناس سرشناس فرانسوی، در سال‌های پایانی عمر خود نامه‌ای به هانری کربن شاگرد و همکارش نوشته و در این نامه درباره «اسلام عرفانی» از کربن که او را نزدیک‌ترین شخص به اندیشه خود می‌داند توصیه هایی دارد. از جمله اینکه مجموعه‌ای درباره حضرت فاطمه تهیه کند، زیرا او را بانویی می‌دانست که می‌تواند حامل نور شناخت الهی باشد.

وی در آثار خود در مورد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها مانند «ارض ملکوت و کالبد انسان در روز رستاخیز» مطالبی در مورد آن حضرت آورده است. در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»، نیز به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها اشاره داشته است.

وی در کتاب خود با اشاره به مکتب تشیع به این مطلب اشاره می‌کند که رابطه خدا با انسان از طریق ائمه علیهم‌السلام در هر عصری جریان یافته است و امروز هم این رابطه از طریق امام زمانِ شیعیان برقرار است و حلقه اتصال این جریان، حضرت فاطمه است.

او وجود حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را مایه کمال شناخت و معرفت الهی خوانده است. کربن معتقد است که وجود مبارک حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها «نمود و تجلی الهی» است.

وی در کتاب «ارض ملکوت» چنین آورده است که «فضایل وجودی حضرت فاطمه را که از نظر بگذرانیم، می‌توانیم بگوییم که آن وجود... خود تجلی ذات الهی است«.

»ماسینیون» و شاگرد و همکارش «هانری کربن«

در بین مقالات و کتاب‌های مستشرقین درباره حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها آثار متعددی می‌توان یافت و بدون شک این آثار، خالی از موارد قابل اصلاح یا غلط‌های تاریخی نیست، اما در میان این منابع، می‌توان ویژگی‌های خاص حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و جایگاه بلند ایشان در اسلام، مذهب تشیع و تعیین جایگاه زن در تاریخ اسلامی را مشاهده نمود.



نقش فاطمه زهرا «علیهاالسلام» در اتحاد و انسجام اسلامی

آموزه وحدت در ابعاد گوناگون زندگانی دختر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»، حضرت فاطمه زهرا «علیهاالسلام» ساری و جاری است. او دختر کسی است که محور وحدت امّت اسلام خوانده می شود؛ همان کسی که همه مسلمانان به او عشـق می ورزند و به مقام بلند و ملکوتی او احترام می گذارند. فاطمه زهرا «علیهاالسـلام» که همواره سـیره پدر را الگو و سرمشق خویش قرار داده و خود همواره مورد تکریم آن پدر مهربان بوده است، نمی تواند سیره ای جز اصلاح گری و منشی جز تربیت و بیدارگری داشته باشد؛ از این رو ما در این نوشتار بر آن نیستیم که همه سیره آن حضرت یا همه سخنان وی را بررسـی کنیم؛ این بحث، بحث بسـیار طولانی و دنباله داری اسـت که بررسـی آن در این صـفحات نمی گنجد بلکه می خواهیم تنها سـخنانی از آن حضـرت را بررسـی کنیم که بیشـتر به اثبات فرضـیه ما کمک می کند. این سـخنان گاه بدون واسطه بر ادعای ما دلالت می کند و گاه با واسطه. فاطمه زهرا «علیهاالسلام» برای اتحاد، عواملی را بر می شمرد؛ بدین معنا که این عوامل باعث ایجاد یا تقویت روح برادری دینی می شود و جامعه را از تشتّت و افتراق نجات می بخشد. برخی از این عوامل به شرح زیر است:

.۱خداپرستی و نیایش

دعوت به خداپرستی، دعوت به وحدت است؛ چه این که مسلمانان در اصل خداپرستی و خدا دوستی با هم مشترکند، همه به یک خدا اعتقاد دارند و از شرک می پرهیزند؛ به سوی یک قبله نماز می گذارند و یک پیامبر را آخرین فرستاده خدا می دانند؛ با این همه گاه این حقایق عظیم را فراموش می کنند و دل به بیگانه می سپارند و به روی دوست شمشیر می کشند. مسلمانان باید در کشمکش و درگیری قبیله ای و مذهبی و حزبی، این حقایق سترگ را به یاد آورند و دست به خونِ برادر خویش نیالایند.

دیگر آن که دعوت به خداپرستی، دعوت به درک حقایق زیبای جهان و دعوت به درنگ در پدیده های مادّی و معنوی است؛ درنگی که باعث رشد و بالندگی معنوی و پیشرفت علمی و عملی می شود. دعوت به خداپرستی، دعوت به آرامش است؛ چه این که یاد خدا آرام بخش دل هاست و دل ها را از پریشانی و آشفتگی می رهاند.

فاطمه زهرا «علیهاالسلام» با باورداشت این اندیشه ها، مردم را به خداپرستی و خدا دوستی فرا می خواند؛ همان چیزی که خود از زلال آن بسیار بهره مند بود. او مردم را به حقیقتی دعوت می کرد که خود فانی در آن بود، از این رو خود سرمشق بزرگی برای عابدان و زاهدان بود؛ چنان که نقل شده: «نفس های فاطمه «علیهاالسلام» هنگام نماز از خوف خدا به شماره می افتاد» و نیز آمده است: «در این امّت، عابدتر از فاطمه، کس نیست؛ او آن قدر [در حین عبادت] ایستاد که پاهایش آماس (ورم) کرد.

روایاتی که درباره عبادت فاطمه «علیهاالسلام»، تسبیح او، نمازهای منقول از او و دعاهای او آمده فراوان، و گواه صادقی بر ژرفای عبادت و زهد اوست.

در اندیشه دختر پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» جامعه ای که روح عبادت و دعا به کالبد آن درآید، کمتر دچار تشتّت و چند دستگی می شود. آن حضرت مردم را به دعا فرا می خواند و در دعا نیز به آنان، دعا برای دیگر برادران و خواهران دینی و امّت اسلام را آموزش می داد، چنان که در یکی از دعاهای وی می خوانیم: «بِسمِ اللّه عَلی اَحِبَّتی وَ وَلَدی و قَراباتی، بِسمِ اللّه علی جیرانی المؤمنین و اِخْوانی وَ مَن قَلَّدنی دُعاءً اَوِ اتَّخَذَ عِنْدی یَدا اَو ابتَدأ اِلَیَّ بَرّا مِنَ المُؤمِنینَ وَ المؤمِناتِ، بِسمِ اللّهِ عَلی ما رَزَقَنی رَبّی و یَرزُقَنی»؛ «بسم الله دوستان و فرزندان و خویشانم، بسم الله بر همسایگان مؤمن و برادران دینی من و هر آن کس که دعایی به من کرده یا نعمتی به من بخشیده یا ابتدا به نیکی به من کرده از مؤمنین و مؤمنات، بسم الله بر هر چه که پروردگارم روزی ام فرموده و روزی ام می کند».

شوق دعا برای برادران و خواهران دینی و مدرسه تعلیم دعای آن حضرت تا لحظات پایانی عمر مبارکش ادامه داشت: آن حضرت به گفته اسماء بنت عمیس در لحظات پایان عمر شریف خود دستان خود را به آسمان بلند کرده، می گوید:

»اللّهُمَّ اِنّی اسألُکَ بِمُحَمَّدٍ المصطفی و شُوقه إلیَّ و بَبْعلی عَلیٍ المُرتَضی و حُزْنه عَلَیَّ، وَ بِالحَسَنِ المُجتَبی و بکائه عَلَیَّ وَ بِالحُسَیْنِ الشَّهید و کآبَتِه عَلَیَّ و بَناتی الفاطِمیّات تحسّرهُنَّ عَلَیَّ، اَنْکَ تَرحَمُ وَ تَغْفِرُ لِلعُصاةِ مِن اُمَّةِ مُحمّدٍ و تَدْخُلُهُم الجَنَّةَ، اِنَّکَ اَکْرَمُ المَسئولینَ وَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ؛» «خداوندا، تو را می خوانم به حق محمد مصطفی که اشتیاق دیدار او را دارم، و به حقّ شوهرم علی و اندوهی که بر من داد، و به حق حسن مجتبی و اشکی که بر من می ریزد، و به حق حسین شهید و

افسردگی اش نسبت به من و به حق دختران فاطمی ام و حسرتی که بر من می خورند که گناهکاران امّت محمد را بیامرزی و در بهشت داخل کنی، همانا تو بهترین درخواست کنندگان و مهربان ترن مهربانان هستی.«

آن حضرت بر این باور است که ریشه اختلاف امّت، فراموش کردن یاد خدا و شکر و ثنای وی، و نیز سرپیچی از فرمان های اوست. از این رو در سترگ ترین سخن خود - خطبه در مسجد مدینه، که به خطبه فدکیه شهرت یافته -، نخست به حمد پروردگار و ذکر نعمت های او و فواید توحید می پردازد. آن حضرت در بخشی از آن خطبه می فرماید:

»وَ اَشهَدُ اَن لا اِله الاّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شریکَ لَه و کَلمَةَ جَعَلَ الاخلاص تأویلَها، و ضَمَّنَ القُلوبَ مَوْصولَها وَ أنارَ فِی الفِکر مَعْقُولَها، المُمْتَنِعُ عَنِ الابصارِ رؤیَتُهُ وَ مِنَ الألْسُنِ صِفَتُهُ، وَ مِن الاوْهامِ کَیْفِیَّتُهُ، اِبْتَدَعَ الاشیاءَ لا مِن شی ء کانَ قَبْلَها و أنْشأها بِلا احْتِذاء أمْثِلَةٍ اِمْتَثَلها، کَوَّنها بِقُدرَته و خَدَأها بِمَشـیَّتِه مِن غیر حاجَةٍ مِنْهُ اِلی تکوینِها وَ لا مائدةٍ لَهُ فی تَصـویرها اِلاّ تَثْبیتا لِحِکمَتِه و تنبیها عَلی طاعتِه و اِظْهارا لِقُدرَته و تَعَبُّدا لِبَریَّته وَ اعزازا ثُمَّ جَعَلَ الثَّوابَ علی طاعَتِهِ وَ وَضَعَ العِقابَ علی مَعْصِیَته زیادَةً عَنْ نِقْمَتِه و حِیاشَةً لَهُمْ اِلی جَنَّتِه»؛ «گواهی می دهم که معبودی جز او نیست، یکتایی است بی انباز و شریک، روح این گواهی دوستی بی آلایش و خلوص است، که دل های مشتاقان با آن در آمیخته آثارش در افکار پرتو افکن شده است. خدایی که دیدگان را توانایی دیدن، زبان را یاری بیان و گمان ها را قدرت بر ادراک او نیست. همه چیز را از نیستی به هستی در آورد و آنان را بدون وجود الگو و نمونه ای ایجاد نمود. با ید قدرت خود همه را بالندگی داد و با اراده اش به خلقِ موجودات دست یازید؛ بی آن که به آفرینش آن ها نیازمند باشد و از این صورتگری طرفی ببندد. جز این که می خواست حکمتش را آشکار سازد و مردم را به فرمان برداری اش هشیار کند و بندگان را به عبودیتش رهنمون گرددد و برای دعوتش موجب سرافرازی باشد. پس آنگاه پاداش را در اطاعت و کیفر را در نافرمانی نهاد، تا بندگان را از خشم و عذاب خود رهانیده به سوی بهشت و کانون رحمتش سوق دهد«.

آن حضـرت در بیان وظایف مردم نسـبت به پروردگار خود فرموده اسـت: «أنْتُم عِبادَ اللّه نَصْـبُ اَمْرِهِ و نَهْیِه وَ حَمَلَةُ دینه وَ وَحْیه و اُمَناءُ اللّهِ عَلی اَنْفُسِـکُم وَ بُلغاؤُهُ اِلَی الأمم وَ زَعیمُ حَقٌّ لَهُ فیکُم وَ عَهْدٍ قَدَّمَهُ اِلَیْکُم»؛ «شـما بندگان خدا، نگاهبانان حلال و حرام، حاملان دین و احکام، امینان خدا بر خویش و پیام آورانِ او به سـوی امّت ها هسـتید. حقی از سـوی خدا بر عهده دارید و پیمانی را که با او بسته اید، پذیرفته اید«.

دختر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» علت روی گردانی مردم از خدا و در نتیجه ظهور تفرقه را، بروز جریان نفاق در میان آنها می داند:

»ظَهَرَتْ فیکُم حَسَکَةُ النِّفاقِ وَ سَمُلَ جِلْبابُ الدّین»؛ «خار نفاق و دورویی در میان شما آشکار و پرده دین دریده شد». نیز فرموده است: «وَ اَطْلَعَ الشَّیطانُ رَأسَهُ مِنْ مَغْرِزِهِ هاتِفا بِکُمْ»؛ «شیطان سر از

کمینگاهِ خود به در آورد و شما را به سوی خود فرا خواند.«

آری، فاطمه «علیهاالسلام» می کوشید تا با گوشزد کردن خطر ارتجاع، مردم را بر گرد کلمه «لا اله الاّ اللّه» متّحد سازد و ریشه شرک و نفاق و تفرقه را بر کند.

۲. پیامبری و نبوّت

امروزه مسلمانان چند محور اساسی برای اتحاد و برادری دارند، از جمله آن ها خدا و قبله واحده، کتاب واحد و پیامبر واحد است. آری، پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» محور خوبی برای اتحاد و به گفته قرآن سرمشق خوبی برای مؤمنان است. خداوند در قرآن کریم پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» را بسیار می ستاید و او را بر همه پیامبران خویش برتری می دهد و مؤمنان را به اطاعت از او فرا می خولند. خداوند اطاعت از پیامبر را در طول اطاعت از خود قرار می دهد و آن حضرت را محبوب ترین فرد نزد خود می داند.

فاطمه زهرا «علیهاالسلام» که نزدیک ترین فرد به رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» بود، و روح و جان وی با آیات قرآن کریم آمیخته بود، هماره مردم را به پندگیری از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و سرمشق گیری از سیره ایشان دعوت کرده است. شاهد آشکار سخن ما، این فرمایش نورانی آن حضرت است: «اَبَوا هذِهِ الامَّةُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ یُقیمانِ اَوَدَهُم وَ یُنقِذانِهِم مِنَ العَذابِ الدّائِمِ اِنْ اَطاعُوهُما و یُبیحانِهِم النَّعیمَ الدّائِمَ اِنْ وافَقُوهُمَا؛» «محمّد و علی پدران این امّتند. اگر فرمانبرداری از آن دو بکنند، آن ها را از کژی نجات می دهند و از عذاب دایم می رهانند و اگر با آنان موافقت داشتند بر آن ها نعمت دایمی را مباح می کردند.«

آن حضرت در سخنان خود، خطاب به برخی زنان، آنان را به خشنود کردن محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و علی «علیه السلام» که پدران دینی اند دعوت می کند، حتی اگر به خشم پدران نسبی آن ها بینجامد: «اِرْضی اَبَوَیْ دینِک محمّدا و علیّا بِسُخْطِ اَبَوَیْ نَسَبِکَ وَ لا تَرضی اَبَویْ نَسَبِک بِسُخطِ اَبَویْ دینک، فَاِنَّ اَبَویْ نَسَبِک اِن سُخِطا اَرْضاهُما محمّد و علیٌ «علیهم السلام» بِثَوابِ جزءٍ مِنْ الف الف جزءٍ مِنْ ساعةٍ مِن طاعتِهما، و اِنَّ اَبَوَیْ دینک ان سُخِطا لَمْ یَقْدِر اَبَوا نَسَبِک أن یَرضیاهُما لأنّ ثوابَ طاعاتِ أهْلِ الدنیا کلّهم لا یَفی بِسُخْطِهما»؛ «پدران دینی خود را که محمد و علی اند، خشنود گردان؛ اگر چه به سخط و خشم پدران نسبی بینجامد و به خشم پدران دینی در برابر خشنودی پدران نسبی خود رضایت مده؛ چون اگر پدران نسبی تو ناخشنود باشند، محمد و علی به ثواب جزیی از هزار جزء از ساعات طاعاتشان آن ها را راضی می گردانند؛ اما اگر پدران دینی تو ناخشنود باشند، پدران نسبی شما قادر به خشنود کردن آنان نیستند؛ چون ثواب طاعات اهل دنیا نمی تواند خشم آن دو را فرو بنشاند و خشنودشان سازد.«

آری، فاطمه زهرا «علیهاالسلام» با این سخنان، مردمان را به همدلی و پیوند بر محور وجود مقدس پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» تشویق می کند و با عبارت «پدر دینی» بر شوق و عاطفه همگان نسبت به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» می افزاید. آن حضرت، پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» را یکی از سه چیز که در دنیا علاقه مند به آن است می داند و با این سخن شگفت، دیگر بار همگان را به عشق و مهرورزی نسبت به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» بر می انگیزاند: «حُبِّبَ اِلَیَّ مِنْ دُنْیاکُم ثَلاثٌ»؛ تَلاوَةُ کِتابَ اللّهِ و النَّظَرُ فی وَجْهِ رَسُولِ اللّهِ، وَ الانفاقُ فی سَبیلِ اللّهِ»؛ «از دنیای شما سه چیز را علاقه مندم: تلاوت کتاب خدا، نگاه کردن به چهره پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» و انفاق در راه خدا.

دعوت آن حضرت به اتحاد بر محور پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» تنها به سخن ختم نمی شد؛ او در عمل نیز خود به این سیره ملتزم بود و بارها این التزام را نشان داد. از جمله باید به این داستان اشاره کرد: برخی از مردم، به پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» آن گونه که شایسته آن حضرت بود، احترام نمی گذاشتند و در خطاب کردن به وی،

حرمت او را نگاه نمی داشتند تا آن که این آیه نازل شد: «لا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُم كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضا»؛ «پیامبر را در میان خود، آن گونه که همدیگر را صدا می زنید، صدا نزنید.«

امام صادق «علیه السلام» می فرماید: فاطمه «علیهاالسلام» فرمود: وقتی آیه نازل شد، ترسیدم که رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» را با خطاب «یا اَبَهْ» بخوانم؛ از این رو می گفتم: «یا رَسولَ اللّه». یک بار، دو بار، سه بار از من روی گرداند. سپس رو به من کرد و فرمود: فاطمه! این آیه درباره تو و خاندان و فرزندانِ تو نازل نشده است، تو از منی و من از تو. این آیه مربوط به جفا کاران و درشت خویان قریش که اهل کبر و خودخواهی اند می باشد. تو به من «یا اَبَه» بگو؛ زیرا این کلام، قلب مرا زنده می کند و پروردگار را خشنود می سازد.

آری، در این ماجرا فاطمه «علیهاالسلام» می خواست التزام عملی خود را به آنچه می گوید نشان دهد و تافته جدا بافته از امّت قرار نگیرد و همانند دیگران پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» را صدا بزند و وحدت و همگونی بر محور پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» را تقویت کند و چنانچه دستور خاص پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» بشود، به این کار ادامه دهد؛ امّا با شنیدن سخنان پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» به سخن او عمل کرد و وحدت را به گونه ای دیگر تقویت نمود، و آن گونه دیگر، اتحاد در پیروی از سخنان پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» بود!

فاطمه «علیهاالسلام» حال مردمان حجاز پیش از بعثت نبی اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و دسته دسته بودن و تفرقه آنان را یادآوری می کند و با ذکر خدمات پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» مردمان را از ارتجاع به جاهلیّت بر حَذَر می دارد و از آنان می خواهد که وحدت خود را مبدّل به تفرقه نسازند: «اِبْتَعَثَهُ اللّه تعالی اِتماما لأمرِهِ وَ عَزيمَةً عَلی اِمْضاءِ حُكْمِهِ وَ اِنْفاذا لِمَقادير حَتْمِهِ فَرَأَیَ الأمَمَ فِرَقا فی اَدْيانِها عُكَّفا عَلی نيرانِها عابِدَةً لأوثانِها مُنكِرةً لِلّه مَعَ عِرفانِها فَلَنارَ اللّهُ تعالی بِأبی مُحَمَّدٍ «صلی الله علیه و آله و سلم» ظُلَمَها وَ كَشَفَ عَنِ القُلوبِ بُهَمَها وَ جَلّی عَنِ الابْصارِ غُمَمَها وَ قامَ فِی النّاسِ بِالهدايَةِ وَ أنْقَذَهُمْ مِنَ الغَوايَةِ وَ بَصَّرَهُم مِنَ العَمايَةِ وَ هَداهُم اِلَی الدّينِ القَوِيمِ وَ دَعَاهُم اِلَی الصِّراطِ المُستقيمِ»؛ «محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» را بر انگیخت تا فرمانش را کامل، حکمش را نافذ و آنچه مقدّر ساخته بود به انجام رساند. پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» مشاهده نمود که هر گروه آیینی را پذیرا گشته اند. دسته ای بر گرد آتش در طواف، گروهی در برابر بت به نماز، و همگان یاد خدایی را که می شناسند، از خاطر زدوده اند. پس خداوند به تو محمّد بساط ظلمت را سترد، و دل ها را از تیرگی کفر رهانید، و ابرهای تیره و تار را از مقابل دیدگان به یکسو افکند. او (پیامبر خدا) برای هدایت مردم به پا خاست و آن ها را از گمراهی و ناراستی رهایی بخشید و چشمانشان را بینا ساخت. آنان را به آیین پا بر جای اسلام رهنمون گشت و به راه راست دعوت نمود«.

حتی شکوه ها و نوحه های فاطمه «علیهاالسلام» در فراق پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» را می توان دعوت به اتحاد بر محور پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» دانست. آن حضرت با نوحه ها و اشعار فراوان در اندوه رحلت جانگداز پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و با یادآوری نعمت حضور آن رسول خاتم، مردمان را به زنده نگاه داشتن یاد و سیره ایشان دعوت می کرد و نسبت به از یاد رفتن برخی سفارش های وی و فراموشی بخشی از سیره آن حضرت نهیب می زد.



ایستادگی و مقاومت در سیره ی حضرت زهرا (س)

دین اسلام آخرین برنامه برای تکامل بشر است که خدا نقشه ی آن را در کتاب خود، قرآن رسم نموده است. همچنین پیامبر (ص) و امامان معصوم ع را مفسر آن قرار داده است.در برابر این گنج بزرگ، دشمنان بزرگی هم وجود داشته است؛ خواه در زمان دعوت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و خواه در زمان تثبیت و دوام اسلام.سیره ی اهل البیت (ع) به روشنی بیانگر استقامت و ایستادگی آن ها در برابر مشکلات و حاکمان جور و ستم است. تلاش های بی وقفه ی امامان، دین اسلام را حفظ و وحدت اسلامی را پایه گذاری کرده است.

به طور کلی در زندگی همه ی انسان ها دفاع وجود دارد. هر کس اولویت ها و ارزش های خاصی را در زندگی مهم می داند؛ اما مطمئناً اعتقادات جایگاه ویژه ای برای همه دارد، زیرا برنامه ی زندگی در سایه ی دین و عقاید شکل می گیرد. ممکن است مشکل در ابعاد مختلف زندگی به وجود آید. راهکار نجات از مشکل در درون دین است؛ در واقع درک درست و پایبندی به دین راهگشای همه ی مشکلات است در این صورت آنچه اهمیت می یابد دفاع از اصل دین است که خدشه دار نشود.

این مقاله بصورت مختصر به جایگاه ایستادگی و مقاومت حضرت زهرا (ع) در دفاع از دین اسلام می پردازد.

معنای مقاومت

ایستادگی یعنی پایداری، استواری، ثبات، استقامت و مقاومت در برابر امری (دهخدا).

معنای مقاومت اینست که انسان یک راهی را انتخاب می کند و آن را راه حق می داند در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و متوقف کند (بیانات مقام معظم رهبری، مراسم شب سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۳۹۸).

ابعاد مقاومت

ایستادگی و مقاومت در برابر مشکلات در ابعاد گوناگونی صورت می گیرد. مشکلات اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... در برابر حکومت اسلام صف کشیده است.

در مقابله با این مشکلات دفاع و مقاومت هم باید از جنس خود مشکل باشد. بنابراین ابعاد مقاومت نیز هم نام خود مشکل است: مسأله ابعاد مقاومت را شکل می دهد مسأله مقاومت اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و....

حضرت زهرا (س) اسوه ی مقاومت

ابزارهای مقاومت حضرت زهرا (س) عبارتند از:

دشمن شناسی (درک تفکر دشمن و دفاع مناسب)

پس از رحلت پیامبر (ص) با وقوع ماجرای سقیفه در مسیر حکومت اسلامی انحراف بوجود آمد. حضرت زهرا (س) مسأله ی فدک را که حق مسلم ایشان بود دستاویز قرار دادند تا به وسیله ی آن چهره ی واقعی خلیفه را برای مردم آشکار کنند.

به صورت کاملاً مختصر به این ماجرا اشاره می شود: پس از رحلت پیامبر (ص) خلیفه حق فدک را از حضرت زهرا (س) سلب کرد. حضرت زهرا (س) ابوبکر را مؤاخذه می کند که چرا کارگران مرا از ملک شخصی ام که پدرم به من بخشیده بیرون کرده ای؟

ابوبکر درخواست کرد «شاهد بیاور». حضرت زهرا (س) شاهد می آورند و بینشان کاغذ تأیید اینکه فدک حق حضرت زهرا (س) است نوشته می شود اما عمر کاغذ را پاره می کند.

بعد از چند روز دوباره حضرت زهرا (س) درباره ی ارث پدری با ابوبکر صحبت می کند و ابوبکر می گوید پیامبران از خود ارثی به جا نمی گذارند.

حضرت زهرا (س) با استشهاد به آیات قرآن سخن ابوبکر را رد می کند. وقتی سخنان حضرت زهراس برای ابوبکر اثر گذار نبود ایشان تصمیم گرفتند که احیای حقشان را علنی کنند و حضرت حقشان را در مسجد در حضور انصار و مهاجرین با صدای رسا مطرح کردند.

حضرت زهرا (س) در مسجد خطبه خواندند و دوباره آیات قرآن و احکام الهی را به مردم گوشزد کردند ماجرای غدیر را یادآوری کردند. ابوبکر با بیان حدیث جعلی و نسبت دادنش به پیامبر (ص) (پیامبران درهم دینار و پول از خود بجای نمی

گذارند و هر چه به جای گذارند دانش حکمت و کتاب خداست) خواست مردم را فریب دهد اما دانش و شجاعت حضرت زهرا (س) ابوبکر را دوباره رسوا کرد.

حضرت فرمودند: تو به پدر من تهمت می زنی و به آیات قرآن اشاره کردند؛ «و وَرِثَ سلیمان داوود» (نمل/۱۶)؛ «فهب لی من لَدنکَ ولیاً یرِثُنی و یرِث من آلِ یعقوب» (مریم/ ۵ و ۶).

همچنین احکام ارث در قرآن را مطرح کردند و فرمودند: پیامبر سخنی نگفته مگر منطبق با قرآن. در این شرایط مردم با خلیفه آشنا شدند و به افکار منفی او پی بردند.

چند روز بعد ابوبکر مردم را در مسجد جمع کرد و به آن ها گفت: چون شهادت فاطمه س را رد کرده ام این حرف ها را می زند و سخنان اهانت آمیز بسیار زد، در مسجد ام سلمه بود که به سخنان ابوبکر اعتراض کرد و گفت تو چرا به دختر پیامبر (ص) و پسر عموی او اهانت می کنی؟

در مرحله ی آخر حضرت زهرا (س) در جهت روشنگری اسلام به ابوبکر گفتند: «قسم به خدا پس از این دیگر با تو سخن نمی گویم و در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد.«

در حقیقت حضرت به دنبال این بودند که مردم بفهمند خلیفه ای که در سقیفه ساخته شود حاضر نیست به آیات قرآن عمل کند. حضرت محروم شدنشان از ارث را بازگشت به آیین جاهلیت بیان کردند.

حضرت زهرا (س) بنیانگذار مکتب اعتراض و اولین کسی بودند که علیه خلیفه ساختگی اعتراض کردند. حضرت می دانستند که مبارزه لطمه، ضربه و مرگ دارد و با آگاهی کامل تن به مبارزه دادند.

همچنین می دانستند لازم نیست نتیجه ی مبارزه همیشه بسرعت باشد، بلکه گاهی اساس قیامی گذاشته می شود و بذر نهضتی کاشته می شود و حاصل آن سال ها بعد به دست می آید (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۲۱۶ - ۱۹۶).

دفاع از قرآن

پدیده ی نفاق از همان آغاز دعوت اسلام شکل گرفت و برخی به ظاهر به اسلام ایمان آوردند اما چون دین را مخالف خواسته های خود می دیدند با حفظ نام و ظاهر اسلام به دنبال سست کردن و نابودی آن رفتند.

این افراد پس از رحلت پیامبر (ص) ابتدا شعار «حسبُنا کتاب الله» را داشتند و سپس با جلوگیری از نوشتن حدیث تلاش کردند تا قرآن و عترت را جدا از هم نشان دهند. آنان احادیث جعلی می ساختند و در چنین شرایطی حضرت زهرا (س) و امام علی (ع) نخستین کسانی بودند که سیاست جریان نفاق را شناختند و از حفظ اصالت قرآن دفاع کردند.

حساسیت و اهمیت مبارزه حضرت زهرا (س) در این است که از آغاز تحرکات دشمن و گام های نخستین تأویل و تفسیر دروغین، وارد میدان مبارزه شدند و سیاست شوم آن ها را افشا کردند از این رو خطاب به ابوبکر فرمودند: «ابابکر اکفرت بالله و کذبت بکتابه؟ آیا به خدا کفر ورزیدی و قرآن را تکذیب کردی؟«

با موضع گیری شفاف حضرت س و آگاه شدن امت اسلامی، دیگر موضع گیری های جریان نفاق رنگ باخت؛ زیرا همه فهمیدند سران کودتای سقیفه دست به جعل احکام می زنند (الهی زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۴ - ۲۲).

دفاع از ولایت

پس از رحلت پیامبر (ص) دشمنان اسلام خلافت را از دست امام علی (ع) گرفته و صاحب حق را از حقش محروم کردند. حضرت زهرا (س) با تمام توان وارد میدان سیاست شد و با انواع راه ها علیه حکومت غاصب قیام کرد.

او در کنار امیرالمؤمنین ع به همراه فرزندانش(حسن و حسین) تا چهل روز پس از رحلت رسول خدا ص به در خانه های مهاجرین و انصار می رفتند و آنان را در غصب خلافت توسط حکومت وقت هشدار می دادند.

فاطمه س در مسجد رسول خدا ص در میان مهاجرین و انصار با ابوبکر به مبارزه برخاست و او را که غاصب فدک بود محکوم کرد و مردم حاضر در مسجد را با سخنان خود به گریه واداشت و جوی فراهم کرد که همه فهمیدند دختر پیامبر (ص) مظلوم شده است (بابازاده، ۱۳۷۴، ص ۱۸۶).

تأکید بر ولایت علی بن ابی طالب و یادآوری آن به انصار و مهاجرین گامی در جهت بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی بود.

احیای نام و یاد پیامبر (ص)

پس از رحلت پیامبر (ص) امام علیع و حضرت زهرا (س) به تجهیز و تدفین پیکر مطهر رسول الله ص پرداختند بی آنکه دست اندرکاران سقیفه حاضر شوند. گریه های حکیمانه ی ایشان همراه با مدح و رثای پیامبر (ص) و تأکید بر واژگان رسول الله، نبی الله، امین وحی الله، ویژه بودن مقام رسالت را بر همگان آشکار ساخت و به گونه ای این مقام را برای امت اسلامی نهادینه کرد که منافقان قسم خورده هرگز نتوانستند مقام رسالت را انکار کنند و در طول تاریخ اسلام، حتی حکومت های غاصب نیز خود را به گونه ای به رسول الله ص مرتبط می سازند.

اندوه حضرت زهرا (س) تنها یک مسأله ی عاطفی نبود که فرزندی در سوگ پدر داشته باشد؛ بلکه این اوج معرفت او نسبت به شأن و منزلت پیامبر (ص) بود.

زبان اشک ها همه خدا بود و مسئولیت هدایت انسان و دفاع از حریم ولایت و امامت. بخش عمده ی تأثر حضرت زهرا (س) آن بود که مبادا بعد از پیامبر (ص) مردم سخنان پیامبر (ص) را فراموش کنند و به آنچه او سفارش کرده عمل ننمایند (انصاری، ۱۳۷۲، ص۷۸).

حضور حضرت زهرا (س) در مزار پدر و همچنین رفتن برای زیارت قبور شهدا، با انگیزه ی دفاع از اسلام همچنین بزرگداشت شهدای اسلام یادآوری صحنه های جنگ و حتی تذکر جایگاه لشکر اسلام و کفر را می داد (کریمی جهرمی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰).

حمایت اقتصادی

پس از آنکه پیامبر (ص) فدک را به حضرت زهرا (س) بخشیدند حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) درآمد آن را برای برداشتن نیاز نیازمندان به کار بردند و از آن بهره ی شخصی نداشتند (الهی زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

با غصب فدک دشمن می خواست حضرت علی (ع) را بدون پشتوانه ی اقتصادی کند تا حضرت با کمک مالی به مردم نتواند دل آن ها را بدست آورد زیرا شکی نیست که هر مبارزه ای نیاز به کمک مالی دارد.

دشمن حتی حضرت زهرا (س) را مقابل مردم قرار داد با این توجیه که فدک از اموال عمومی مردم است و شما می خواهید آن را از مردم بگیرید (کهرمی،۱۳۹۴، ص ۴۷).

پایه گذاری علوم اسلامی و تربیت نیرو

حضرت زهرا(س) مرجعیت علمی و اجتهادی داشتند، چنان که در زمان حیاتشان، امت اسلامی مشکلات و پرسش های خود را از ایشان می پرسیدند. علاوه بر زنان، مردها نیز مستقیم و یا از راه همسرشان از علوم آن حضرت بهره برده و احکام الهی را یاد می گرفتند.

حضرت زهرا (س) یکی از راویان احادیث رسول خدا ص بودند و در مکتب ایشان افرادی مانند فضه تربیت شدند که پس از شهادت حضرت تا بیست سال به جز به قرآن لب نگشودند جز با قرآن پاسخ ندادند (الهی زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

همچنین فضه، ام ایمن، اسماء جزء تربیت شدگان حضرت بودند که در قضایای فدک و یا دیگر قضایا به نفع امیرالمومنین ع شهادت دادند. ورقه بن عبدالله ازدی می گوید: بعد از طواف در بازار گندم فروشان به فضه گفتم: از احوال مولایت فاطمه س در بستر بیماری بگو. فضه با صدای بلند گریه کرد و گفت: مصیبت های مستور در قلبم را زنده و تازه کردی و بعد بطور مفصل جریان را نقل کرد (کهرمی، ۱۳۹۴، ص ۸۴).

حضرت زهرا (س) به عنوان اسوه ی مقاومت در برابر دشمنان اسلام با تمام وجود مقاومت کردند تا امروزه ما بتوانیم از حکومت اسلامی نام ببریم. اگر نبودند ائمه ی اطهار ع که اسلام ناب را تبیین کنند، بشر امروزی معلوم نبود در چه سرگردانی بزرگی بسر ببرد.

حضرت زهرا به عنوان یک بانوی مسلمان به وظیفه ی خود عمل نمودند اما دفاع از دین صرفاً وظیفه ی اهل البیت ع و علماء نیست؛ بلکه هر انسانی در هر جایگاه و مقامی که باشد باید در حد توان و اثرگذاری خود از دین دفاع کند.

مقاومت یک وظیفه ی عمومی است

...این حرکت اسلامی را هر چه می توانید، تقویت کنید. راه نجات این منطقه تقویت بیداری اسلامی است. تقویت حرکت مقاومت اسلامیست. این وظیفه متوجه عموم آحاد ملت های مسلمان، به ویژه علمای اسلام است و بعد روشنفکران، نویسندگان، شعرا، دانشمندان، هنرمندان و نخبگان سیاسی، این ها مخاطبند به خطاب دعوت پیامبر اسلام و هدایت اسلامی (بیانات مقام معظم رهبری، دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷).

موانع مقاومت

ابراز بی طرفی و سکوت

برخی از مسلمین مصداق آیه ی «مذَبذَبینَ بینَ ذلک لا اِلی هولاءِ لا اِلی هولاء» (نساء/ ۱۴۳) هستند؛ یعنی نه طرفدار حق و نه طرفدار باطل هستند و سکوت و انزوا اختیار می کنند به خیال باطل خود می خواهند از فتنه دوری کنند، در صورتی که انسان باید به دنبال حق برود و به او کمک کند.

حضـرت زهرا (س) با این افراد مبارزه می کند و می فرماید: «زعَمتُم خوف الفتنهٔ الا فی الفتنهٔ سـقِطوا و انَّ جهنَّمَ لمُحیطهٌ بِالکافِرین فهَیهات منکم، و کیف بکم»؛ شما می ترسید که به فتنه بیفتید و از ترس نیفتادن به فتنه وارد مبارزه نمی شوید، در حالی که در فتنه داخل شده اید و جهنم احاطه دارد بر کافران، پس وای بر شما.

عافیت طلبی

حضرت زهراس در خطبه ی فدک می فرمایند: «الا و قَد أری ان قد اخلدتم الی الخفضِ.... و خلوتم بالدعه»؛ دیگر شما حال قیام و مبارزه را ندارید و می خواهید در آسایش و خوشگذرانی باشید و زندگی راحت بکنید؟

از این بیان روشن می شود که زمینه ی اصلی غصب خلافت و رهبری، بی تفاوتی مردم و راحت طلبی آن ها بوده. اگر مردم در مقابل آرمان های اسـلام بی تفاوت نشـده بودند هرگز چند نفر قدرت طلب نمی توانسـتند با عوام فریبی و تظاهر به دین، قرآن و سنت پیامبر (ص) مسیر امامت را منحرف سازند (کهرمی، ۱۳۹۴، ص ۵۳ و۵۴).

مقاومت و پایداری زنان و مردان مسلمان در طول تاریخ اسلام سبب شد که این چراغ روشن بماند و با همین مقاومت روزی خواهد رسید که احکام اسلام کامل و به درستی اجرا شود. از ثمرات مقاومت به وجودآمدن انقلاب اسلامی، پیروزی در دفاع مقدس و بیداری اسلامی است.

مقاومت در زمان کمبود و محدودیت معنا پیدا می کند و دشـمنان اسـلام همواره با در تنگنا قرار دادن مسـلمانان سـعی در نابودی اسلام داشته اند؛ اما مسلمانان با مقاومت، دین اسلام را زنده و پابرجا نگه داشته اند.

اگر امروزه شاهد کمرنگ شدن بعضی از احکام هستیم، ثمره ی غفلت این نسل بشر است که اگر بیدار نشویم به زودی آنچه بزرگان رشته اند را ما پنبه خواهیم کرد. بهتر است به جای کسب لذات آنی برای کسب لذات ماندگار مقاومت کنیم.



استقامت و پایداری در سیره ی حضرت فاطمه (س)

فاطمۀ زهرا (س) از نظر ولایتمداری و حمایت از حضرت علی ع، در بیان نبی مکرم اسلام ص رکن اساسی خوانده شده است.

امام صادق (ع) از امام باقر (ع) از جابربن عبداللّه انصاری نقل نموده اند که: «شـنیدم پیـامبر خـدا ص سه روز پیش از وفاتش به علی (ع) می فرمودند: سلام بـر تـو ای پـدر دو ریحانه ی مـن! مـن دو فرزندم حسن و حسین (ع) را به تو سفارش می کنم. به زودی دو رکن اساسی تو دنیـا را ترک می کنند. آن گاه خداوند جانشین و خلیفه ی من است برای تو.«

هنگامی که پیامبر اسلام از جهان رحلت کرد علی بن ابی طالب (ع) فرمود: «این یکی از آن دو رکن من بود که رسول خدا ص به من خبر داد و وقتی که حضرت فاطمه زهرا س از دنیا رفت، حضرت امیر (ع) فرمود: این دومین رکنی بود که پیغمبر خدا ص به من خبر داد» (مجلسی، ج ۴۳، ص۱۷۳).

رکن در فرهنگ و لغت غالباً به معنی آن چیزی است که به آن قوت می گیرند و تکیه می کنند و نیز پایه و ستون و یا هر امر که باعث قوه و غلبه و شوکت باشد (لغت نامه ی دهخدا، ناظم الاطباء، منتهی الارب و. ..).

می دانیم که ارکان همیشه زیرساخت ها را تشکیل می دهند. در تعریف رکن در عبادات گفته می شود: آنچه ترک عمدی یا سهوی آن موجب بطلان عبادت است.

این تعاریف جایگاه و موقعیت استراتژیک حضرت زهرا س را در بین ائمه (ع) تبیین می کند. در واقع شاید بهترین بیان برای تبیین جایگاه حضرت فاطمه (س) در این روایت نهفته باشد که امام عسکری (ع) می فرماید: «نحنُ حججُ اللّهِ علی خلقِه و جدّتُنا فاطمةُ حجةُ اللّه علینا»؛ ما حجت های خداوند متعال بر خلق هستیم و مادرمان فاطمه (س) حجت خدا بر ماست (اطیب البیان، ج۱۳، ص۲۲۵).

حضرت زهرا س مصداق بارز انسان کامل است. انسان کامل چون مظهر جمیع اسماء و صفات الهی است، شناخت و معرفی او تنها بر عهده ی خداوند و دیگر انسان های کامل است.

در منظر خداوند و بیان قرآن کریم، انسان کامل همچون سراج منیر، وظیفه ی هدایت بشر به سوی «الله» را بر عهده دارد. حضرت زهرا س به دور از هر گونه تمایل فردی و با دو شیوه ی اقامه ی ادلّه و وصیت سیاسی، به حراست از دین و حمایت از وصی بلافصل رسول خدا (ص) پرداخته است و در همه ی اقوال و اعمال و تقریراتش، جانب دین را لحاظ نموده و خیرخواه امت بوده است (رک. نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۷، شماره ۳۹).

امام صادق (ع) در تفسیر سوره ی قدر، جده ی معصومه ی خود را چنین معرفی نموده اند: «اللیلةُ فاطِمةُ و القَدرُ الله فمَن عَرفَ فاطِمةَ حقَّ معرفتِها فَقَد اَدرَک لیلةَ القَدر» (فرات کوفی، ج۱، ص۳۶۲)؛

منظور از شب، فاطمه است و مراد از قدر، خداوند است. پس هر کس آن چنان که شایسته است فاطمه را بشناسد، شب قدر را درک نموده است.

در ادامه، وجه تسمیه ی آن حضرت به نام مبارک «فاطمه» را چنین بیان فرموده اند: «و اِنَّها سُمّیت فاطِمةُ لاَنَّ الخَلق فطَموا عَن مَعرِفتِها» (همان)؛ و ایشان فاطمه (س) نام گرفته اند. زیرا خلق از معرفت و شناخت آن حضرت عاجزند.

عملکرد حضرت زهرا س در زندگی سیاسی و دینی همچون پدر و مادر بزرگوارشان مبتنی بر اعتقادی راسخ است و در این راه از بذل هیچ سرمایه ای دریغ نمی ورزد.

ایشان در مهم ترین و حیاتی ترین اصل اسلامی یعنی ولایت و جانشینی پیامبر ص که خداوند در قرآن از آن به تکمیل دین و اتمام نعمت تعبیر می نماید (مائده/ ۳)، پیشگام بود و همان طور که در حدیث آمده رکن امیرالمؤمنین (ع) و پناه او به حساب می آمد. به طوری که پس از شهادت ایشان، حضرت علی (ع) احساس غریبی و بی پناهی می نمود و راه مصالحه و بیعت در پیش گرفت (رک. طبیبی، نشریه منهاج، ۱۳۹۰).

بزرگ ترین هدف مبارزات ائمه (ع) در جایگاه انسان کامل، تشکیل حکومت اسلامی آن هم بر پایه ی امامت امامِ بر حق است. از این رو چشمگیرترین فعالیت حضرت فاطمه (س) در ظرف زمانی خاص خود و با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن روزگار، اثبات امامت امیرالمومنین (ع) به عنوان اصل اساسی دین اسلام است (رک. نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۷، شماره ۳۹).

دفاع فاطمه (س) از شأن ولایت و رهبری علی بن ابیطالب (ع) با تمام توان و انواع شیوه ها انجام گرفته است. برخی از این اقدامات عبارتند از: نقل روایت، انتقاد شدید از مردم و حاکمان، رفتن به خانه ی انصار و گریه و سکوت و قهر و وصیت و فداکردن فرزند خویش حضرت محسن و... .

از این رو اقدامات حضرت زهرا س در ایام حیاتشان بهترین الگو برای امروز هر مسلمان در ولایتمداری است تا بر اساس آن بتواند به تکلیف دینی خویش عمل کند (رک. رستمی، شادکام، نشریه منهاج، ۱۳۹۰).

زندگی حضرت فاطمهس ابعاد نامحدودی دارد. ایشان در عین حفظ حریم ها در اجتماع، زبانی گویا و مدیریتی برتر دارد و در مبارزه با غاصبان خلافت عملکردهای گوناگونی در پیش می گیرد که بارزترین بخش مبارزه ی او در خطبه ی فدک متبلور است.

این زمین پشتوانه ی اقتصادی مهمی برای حضرت علی (ع) به شمار می رفت و از سوی دیگر غصب آن که متعلق به حضرت زهرا س بود، عملی غیرشرعی و مخالف اصول قرآنی بود و همین نمونه ای عینی از عدم شایستگی خلیفه ی غاصب برای جانشینی پیامبر ص به شمار می آمد (رک. طبیبی، نشریه منهاج، ۱۳۹۰).

آنچه در سایر بخش های حیات حضرت فاطمه (س) مشاهده می کنیم، احساسات لطیف و اندیشه ی دقیق به صورت توأمان است. این جمع اضداد شایستگی عنوان «سیدۀ نساء العالمین» را به ایشان می بخشد.

آن بانو در سایه ی حیات عقلی، خویشتن را مسئولِ نشان دادن راه می داند و در سایه ی حیات احساسی، خود را مسئول به راه اندازی مردم و شورآفرینی در آنان برای سرعت سیر در راه هدف می بیند (قائمی، ۱۳۷۳، ص۱۵۰).

»ام ابیها» در کودکی چون مادر بزرگوارشان در شداید روزگار مرهم زخم های پدر بود ودر زمان جنگ ها و گرفتاری ها مرهمی بر زخم های جسمی و روحی همسر (امینی، ۱۳۴۹، ص۷۹) به گونه ای که حضرت علی (ع) می فرمود: «وقتی به خانه می آمدم و به زهرا س می نگریستم، تمام غم و غصه هایم برطرف می شد» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص۱۳۴).

فاطمه (س) در بعد تربیت فرزند هم نمونه است. او پرورش دهنده ی انسان هایی چون حسن و حسین (ع) است. حضرت به ابعاد مختلف تربیت فرزندان خود توجه ویژه ای داشت.

تشویق فرزندان به انجام تکالیف الهی و عبادی، شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان کودکی در جان فرزندان تقویت نموده ونه با سخن که با خطوط چهره، عشق به رکوع و سجود را به فرزندان آموخت. رفتار هماهنگ و عادلانه و بذل محبت و توجه عادلانه به فرزندان، اصل سازنده ای است که تا اعماق وجود کودک اثر می گذارد.

زهرای اطهر س با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزندانش نشان می داد مراقب تمام حرکات و سکنات آن ها بود و به دقت رفت و برگشت های آن ها را زیر نظر داشت.

از جمله مواردی که در شیوه ی تربیتی حضرت زهرا س جایگاه خاصی داشت تحرک و بازی با کودکان بود که همین امر موجب نشاط و شادابی روزافزون آن ها می شد) رک. عباس بذرکار، .(http://old.ido.ir/a.aspx?a=۱۳۸۷۰٤۰۲۰۱

غرب امروزه الگویی از زن ارائه کرده و می کند که در آن زن رها از قید خانواده است. او باید بتواند جیب کمپانی های در هم تنیده ی تجارت سفید را پرکند و فرزندانش نیز در پانسیون ها فقط از گرسنگی نمی میرند.

ولی باقی نیازهای آن ها و وظیفه های زن حذف شده است. پیامد نهایی این الگو نابودی خانواده و جامعه است. اما از آن جا که زن مسلمان ایرانی در طول تاریخ، با فاطمه (س) سیر کرده است و انقلاب اسلامی فرصت سازِ بروز ارزش های فاطمی بوده است، پس از انقلاب اسلامی خصلت های آن بانوی گرانقدر در شخصیت زن ایرانی بروز و نمود داشته است.

با نگاهی اجمالی به ابعاد زندگی حضرت زهرا س وتطبیق آن با جلوه های رفتاری زن امروز ایران اسلامی به این نکته دست می یابیم که پیروزی در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مانند مبارزه با رژیم ستمشاهی، پیروزی در جنگ تحمیلی و ...، مرهون حضور مستقیم و غیر مستقیم زنان ایرانی در این صحنه هاست که در قامت شیر زنان عرصه ی علم و عمل تبلور یافته است (رک. همان).



نقش حضرت زهرا(س) در دفاع از اسلام و ولایت

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، دختر پیامبر اسلام، نقش مهمی در حمایت از ولایت و پیروی از امامت داشت، ایشان به عنوان همسر امام علی (علیه السلام) و مادر حسن و حسین (علیهما السلام)، نه تنها در حیات خود بلکه پس از شهادت پیامبر نیز به امامت و ولایت امام علی (ع) پشتیبانی کردند.

حضرت زهرا (س) در مراسم غدیر خم که پیامبر اسلام (ص) در آنجا امامت امام علی (ع) را به عنوان جانشین خود اعلام کرد، از طرف خداوند و پیامبر، به عنوان اولین مؤمن و، ولی الله اعلام شدو با حضور در این مراسم و با تأیید علنی امامت امام علی (ع)، نقش مهمی در تثبیت ولایت ایشان داشت.

علاوه بر این، حضرت زهرا در طول زندگی خود برای حفظ ولایت و امامت امام علی تلاش کردند، ایشان با تبلیغ و ترویج آموزه‌های امام علی (ع) و نقد و مبارزه با سیاست‌های نادرست و تجاوز به حقوق امامت، به عنوان یکی از عوامل اصلی در حفظ امامت و ولایت ایشان شناخته می‌شوند.

در کتب تاریخی و روایات اسلامی، حضرت زهرا به عنوان نمونه‌ای از تعهد به ولایت و پایبندی به امامت شناخته شده است، ایشان در طول زندگی خود به عنوان یک نمونه الهی از زنان با ارزش و قدرت در حمایت از ولایت شناخته می‌شوند.

حضرت فاطمه زهرا (س) نقش بسیار مهمی در تثبیت ولایت امام علی (ع) داشت، با تلاش‌های فراوان خود در ایجاد ارتباط نزدیک بین امام علی (ع) و جامعه، به عنوان پشتیبان اصلی امامت و ولایت ایشان عمل کرد.

اعلام علنی و تأیید امامت

استاد دانشگاه فرهنگیان اراک با اشاره به برخی از نقش‌های حضرت زهرا (س) در تثبیت ولایت امام علی (ع) به خبرنگار فارس می‌گوید: اعلام علنی و تأیید امامت از جمله این نقش‌ها است، حضرت زهرا در مراسم غدیر خم به عنوان اولین مؤمن و، ولی الله اعلام شد و امامت امام علی را تأیید کرد، این اعلام علنی و تأیید به جامعه اسلامی نشان داد که امامت امام علی به وصیت پیامبر اسلام برمی‌گردد و ولایت او مورد قبول الهی است.

حسین معافی می‌افزاید: حمایت در سخنرانی‌ها حضرت زهرا در جلسات و سخنرانی‌های عمومی، به تبلیغ و ترویج آموزه‌های امام علی پرداخت، با بیان معارف و ارزش‌های امام علی (ع) و برجسته کردن خصال اخلاقی ایشان، به تثبیت ولایت ایشان کمک کرد.

نقد و مبارزه با سیاست‌های نادرست

وی در خصوص نقش حضرت زهرا در نقد و مبارزه با سیاست‌های نادرست بیان می‌کند: حضرت زهرا (س) در مقابل سیاست‌های نادرست و تجاوز به حقوق امامت و ولایت، مبارزه کرد، با اعتراض به ستم‌ها و نقد و برخاستن در برابر ظلم و ستم، جامعه را به عمل برای حفظ ولایت امام علی (ع) تشویق کردند.

تأیید امامت در مشروعیت دینی

تأیید امامت در مشروعیت دینی یکی دیگر از نقش آفرینی‌های حضرت زهرا (س) است که این استاد دانشگاه به آن اشاره کرده و می‌گوید: فاطمه زهرا با حضور و مشارکت خود در مراسم‌ها و جلسات دینی، وجود امام علی (ع) را به عنوان رهبر مشروع و امام معصوم تأیید کرد، به عنوان برترین نمونه الهی از اطاعت و پایبندی به امامت، تأکیدی بر اهمیت ولایت امام علی (ع) و توسعه یافتگی عصمت و معصومیت ایشان داشت.

این موارد تنها برخی از نقش‌های حضرت زهرا (س) در تثبیت ولایت امام علی (ع) است، بانوی دو عالم استفاده از تمامی ظرفیت‌های خود، به عنوان نمونه الهی از پیروی و اطاعت از امامت و ولایت ایشان عمل کردند و برای جامعه اسلامی الگویی برتر بودند.

حضرت فاطمه زهرا به عنوان دختر پیامبر اسلام و همسر امام علی (ع) و مادر امام حسن و حسین (ع) نقش مهمی در پیشرفت و ترویج اسلام داشته است، به طور فعال در تعالیم اسلامی شرکت کرد و در بسیاری از جوانب زندگی و امور اجتماعی و سیاسی مؤثر بودند.

حامی و مشاور پیامبر اسلام

معافی با اشاره به برخی از نقش‌های حضرت زهرا (س) در پیشرفت اسلام اظهار می‌کند: حامی و مشاور پیامبر اسلام، حضرت زهرا (س) در طول زندگی پیامبر اسلام (ص) به عنوان دختر گرامی و همسر امام علی (ع)، از ایشان حامی و مشاور بود و در امور سیاسی و اجتماعی به پیامبر کمک کرده و نصایح و راهنمایی‌های مهمی به ایشان ارائه می‌دادند.

وی در خصوص نقش تربیتی و تعلیمی حضرت زهرا بیان می‌کند: زهرا (س) نقش بسیار مهمی در تربیت و تعلیم امامان شیعه، به ویژه امام حسن و حسین (ع) داشت، از کودکی تا بزرگسالی به تربیت و آموزش اخلاقی، علمی و دینی فرزندان خود توجه ویژه‌ای داشت و آن‌ها را به روش‌های اسلامی تربیت کرد.

ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی

استاد دانشگاه فرهنگان اراک با اشاره به نقش دفاع از حقوق اهل بیت (ع) تصریح می‌کند: پس از وفات پیامبر اسلام، حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای حفظ حقوق امام علی (ع) و اهل بیت (علیهم السلام) علیه سلطه و حکومت‌های نامشروع و مخالف ولایت امام علی (ع) اقدام و در خطبه فدک و در جلسات عمومی اعتراض خود را به ستم‌ها و نادیده گرفتن حقوق خانواده پیامبر اعلام کردند.

معافی ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی را نیز مورد اشاره قرار داده و می‌گوید: حضرت زهرا در خطبه‌ها و سخنرانی‌های خود به ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی، از جمله عدالت، صدمعتدل بودن، مراقبت از نیازمندان و فقیران، احترام به والدین و حفظ خانواده و دیگر اصول و مقتضیات دینی تاکید و با نمونه زندگی خود و رفتار اخلاقی و ارزشمندشان، اسلام را به نمونه‌ای الهام‌بخش برای دیگران تبدیل کرد.

به گفته وی حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان یکی از علمای بزرگ و دانشمندان حقیقی اسلام، علاوه بر تربیت فرزندان و خانواده‌اش، دانش و معرفت خود را به دیگران نیز انتقال داد، برخی از آثار ادبی و دعاهای معروف و مناجات‌هایی را به جا گذاشتند که تا به امروز در عرصه ادبیات و عرفان اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

به طور کلی، حضرت زهرا (س) با تعالیم دینی، تربیت اخلاقی، مبارزه برای حقوق ولایت امام علی (ع) و اهل بیت (علیهم السلام) و ارائه نمونه‌ای برتر از زندگی اسلامی، به پیشرفت و ترویج اسلام کمک بزرگی کردند.